

ضابطان دادگستری و رعایت حقوق دفاعی متهم

حسین میری^۱، آرمان طبری^۲

^۱ گروه حقوق، واحد گنبد کاووس، دانشگاه آزاد اسلامی گنبد کاووس، ایران (نویسنده مسئول)
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی گنبد کاووس، ایران

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی وظایف ضابطان دادگستری در رعایت حقوق دفاعی متهم صورت پذیرفته است. در این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از مآخذ و منابع کتابخانه ای نوآوری هایی که قانونگذار در رابطه با حقوق دفاعی متهم در قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی کرده است بررسی شد. یافته های تحقیق نشان داد: حق دفاع متهم یکی از عناصر امنیت قضایی در کنار حق دادخواهی است که باعث آسایش و آرامش حقوقی شهروندان و در نتیجه موجب پیشرفت جامعه بشری در زمینه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره می شود. در آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۲ توجه ویژه ای به حقوق متهم شده و نوآوری هایی نیز در این زمینه صورت گرفته است، در همان مواد اولیه این قانون چه در تعریف آیین دادرسی کیفری و چه در تبیین موارد مهمی چون اصل بی طرفی و استقلال مراجع قضایی، اصل قانونی بودن دادرسی کیفری، اصل برائت، لزوم تفهیم اتهام و آگاهی متهم از علت و ادله تعقیب، حق دسترسی به وکیل، رعایت حقوق شهروندی مندرج در قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که در مواد یک تا هفت این قانون مشاهده می شود. همچنین متهم، حقوق دیگری مانند تشکیل پرونده شخصیت، حق تماس با خانواده و حق داشتن وکیل و تفهیم آن، اخذ آخرین دفاع و حق سکوت و..... دارد.

واژه های کلیدی: متهم، حقوق دفاعی، ضابطان دادگستری، آیین دادرسی کیفری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از منظر دین مبین اسلام و اخیراً انسان دوران مدرن، انسان دارای کرامت ذاتی است و به موجب این ویژگی، به صرف انسان بودن دارای حقوقی غیرقابل سلب است و ویژگی هایی از قبیل جنس، رنگ، عقیده، ملیت و غیره در بهره مندی از آنها دخالتی ندارد. در این دوران، انسان نه تنها شماری حق ماهوی بنیادین و غیرقابل سلب پیدا می کند، بلکه در مقابل هجمه و تعقیب نظام حاکم با ادعای ارتکاب عمل مخل نظم عمومی و واجد وصف کیفری، حق هایی شکلی (رویه ای) پیدا می کند که از او در مقابل خودسری ها و تعرض های سلیقه ای مأموران دولت حمایت میکند و سبب می شود که طی فرآیندی روشن و شفاف و با تضمین ها و حمایت های لازم، اتهام فرد در مسیری امن و بی طرف رسیدگی شود (فرحبخش، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲). در این راستا، قانونگذار در کشور ایران براساس مواد ۲۸ الی ۶۳ قانون آ.د.ک. مصوب سال ۱۳۹۲، تکالیفی را به خصوص در مرحله تحقیقات مقدماتی بر عهده ضابطان دادگستری گذاشته است و با شرایطی، امکان ارجاع مواردی از اقدامات قضایی را به ضابطان دادگستری در بعضی جرائم پذیرفته است. قانونگذار در این قانون، در ماده ۷ و بخش کلیات، صراحتاً رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ را در تمام مراحل دادرسی کیفری از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در این فرآیند مداخله دارند، الزامی دانسته و ضمن تأکید بر مجازات مقرر قانونی برای متخلفان، در دیگر مواد این قانون نیز شمولی از این حقوق را عنوان کرده است. تفاوتی که در این ماده با ماده واحده قانون احترام به آزادی مشروع حفظ حقوق شهروندی می توان یافت، این است که در ماده ۷ علاوه بر کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادرها و ضابطان قوه قضائیه، حقوقی که ماده واحده تکلیف رعایت حقوق شهروندی متوجه آنها بود، سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی کیفری (از جمله وکلا و کارشناسان و غیره) دخالت دارند نیز مکلف به اجرای این حقوق میشوند (ساریخانی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۱). در میان اسناد و قوانین و مقررات مرتبط با حقوق شهروندی در شرایط کنونی حاکم بر کشور، حقوق دفاعی متهم به عنوان یکی از مباحث بسیار مهم در سیاستهای اجرایی پلیس است که بعضاً با چالش های جدی در جامعه همراه بوده است. در سیاست ها و راهبردهای نیروی انتظامی توجه به متهمان به عنوان یک شهروند از اهمیت خاصی برخوردار بوده و از زمان شروع به رسیدگی تا اثبات جرم، رعایت حقوق وی برای ضابطان دادگستری امری ضروری و وظیفه ای قانونی شمرده شده است؛ زیرا در مراحل دادرسی فرد تحت عنوان یک شهروند در حمایت قانون بوده و رعایت حقوق وی الزامی است. بنابراین، آشنایی ضابطان با این موارد به منظور رعایت حقوق متهمان امری ضروری بوده و یکی از عوامل مهم در محقق شدن اهداف سازمان در این راستا، ارائه خدمات مثبت در زمان دادرسی و رسیدگی توسط ضابطان دادگستری است. از سوی دیگر، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از متولیان و مجریان اصلی ایجاد نظم و امنیت عمومی، وظایف و مأموریت های مختلف و متعددی را بر عهده دارد و در راستای این مأموریت ها، علیرغم اینکه اصل جامعه محوری و رضایتمندی شهروندان را نیز سر لوحه کار انتظامی خود قرار داده است، گاهی طی اجرای برخی از وظایف حسب تکلیف قانونی، موجبات نارضایتی برخی از شهروندان از شیوه و نحوه اجرای مأموریت های محوله فراهم آمده است. به طوری که برخی از این نارضایتی ها، نحوه اجرای قانون را زیر سؤال برده و گاه مورد انتقاد قرار داده است (جوانمرد، عبدالرحمانی و پورعلی، ۱۳۹۳، ص ۲۸). مسلماً ضرورت هایی همچون سرعت در جمع آوری دلایل جرم و ممانعت از نابودی و امحاء آنها، پیشگیری از تبانی متهم با شهود، شرکا یا معاونان احتمالی به خصوص در مراحل اولیه رسیدگی در کلانتری ها، محدودیت در حقوق اعطایی به متهم تحت نظر را اقتضاء میکند. با این حال، ضرورت حفظ حقوق و آزادی های فردی و کرامت انسانی در کنار حفظ مصلحت اجتماعی ایجاب می کند که برای متهم تحت نظر قرارگرفته، حقوق دفاعی به رسمیت شناخته شود. در این راستا، با توجه موضع قانونگذار در تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و دغدغه مدیران قوه قضائیه و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و همچنین

اقدامات زیرساختی در راستای انجام دقیق این قانون و با عنایت به اینکه کارکنان کلانتری‌ها بیشترین نقش را در برخورد با متهمان دارند، در پژوهش حاضر، این سؤال مطرح شده است که در وضعیت موجود، بین آشنایی ضابطان دادگستری با حقوق متهم و رعایت حقوق دفاعی او در مراحل بازجویی، احضار، جلب، بازداشت و تحت نظر چه رابطه‌ای وجود دارد؟ در این زمینه با توجه به ضرورت ایجاد توازن میان آشنایی ضابطان با حقوق دفاعی متهم و نظام مند کردن این حقوق در دوران بازجویی، احضار، جلب، بازداشت و تحت نظر در واحدهای اجرایی پلیس به ویژه کلانتری‌ها که به عنوان اولین اقدام کنندگان در تشکیل پرونده‌های قضایی هستند، انجام پژوهشی مستقل در زمینه شناخت وضعیت موجود کلانتری‌ها در زمینه رعایت حقوق دفاعی متهمان و رسیدن به وضعیت مطلوب با نگاهی به تحولات ایجاد شده از زمان تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و همچنین ارائه راهکارهایی در جهت رفع نواقص احتمالی ضروری است. بدین ترتیب، هدف این پژوهش بررسی و کنکاش آشنایی ضابطان با حقوق متهم، تکالیف ضابطان در دوران بازجویی، احضار، جلب، بازداشت و تحت نظر و رابطه آن با حقوق دفاعی متهم است. قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ تصویب و از سال ۱۳۹۴ اجرایی شده است، مرور متون کتابها، مقاله‌ها و سایر منابع مرتبط با حیطة علمی این پژوهش بیانگر آن است پژوهش‌هایی که در خصوص حقوق متهم انجام شده‌اند، بیشتر بر عوامل رعایت حقوق متهمان با تأکید بر قوانین قبلی و به صورت کلی و غیر پیمایشی اجرا شده‌اند. لذا با توجه به عدم انجام پژوهش در زمینه رعایت حقوق دفاعی متهمان در کلانتری‌ها، به پژوهش‌هایی که مرتبط با متغیرهای این پژوهش با توجه به قانون جدید انجام شده، پرداخته شده است. کوشا و پاکنیت (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «توازن میان حقوق متهم و بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین المللی»، بیان می‌کنند قانون جدید آیین دادرسی کیفری علیرغم ایراداتی که به لحاظ نظری دارد و اشکالاتی که ممکن است در عمل به بار بیاورد، سعی کرده است که نسبت به مقررات سابق دادرسی کشور، نگاه یکسانی را به حقوق متهم و بزه‌دیده داشته باشد. به این منظور، تضمین‌هایی را مقرر کرده است که تحقق این مهم را در عالم واقع میسر کند. از یکسو با مقرر کردن تضمین‌های عام و کلی، درصد حمایت از طرفین شکایت کیفری برآمده و از سوی دیگر تضمین‌های متناسب با وضعیت هریک از طرفین، به آنها اختصاص داده است. اما به نظر می‌رسد که با همه تلاشی که قانونگذار دادرسی کیفری کرده است، نتوان امید زیادی به تحقق تعادل و توازن میان حقوق طرفین یک شکایت کیفری داشت. لذا لازم است ضابطان دادگستری در این زمینه به خوبی تحت آموزش قرار گیرند. همچنین، امیرزاده فرد و پاکنیت (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «حقوق شهروندی در فرآیند تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲» بیان می‌کنند که حقوق شهروندی در مرحله بازجویی که عمدتاً از ضروریات جامعه بشری است و همه حکومت‌ها سعی در رعایت آن دارند، شاخص مهمی در تحقیقات مقدماتی محسوب می‌شود که نیازمند دقت و توجه لازم دست اندرکاران قضایی به ویژه در مرحله دادرسی است. فردی که متهم به ارتکاب جرمی می‌شود، نیازمند برخورداری از حقوقی است که یک شهروند در حالت عادی از آن بهره‌مند است. بر همین اساس، باید گفت که موفقیت در اجرای مقررات جدید نیازمند جامعه عمل پوشاندن به نوآوری‌های قانونی نیازمند و سازوکارهایی است که نسبت به ایجاد آنها هنوز توجه کافی نشده است. ساقیان (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲»، بیان می‌کند قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تأثیرپذیری از الگوی جهانی دادرسی عادلانه و استفاده از مطالعات تطبیقی با اتخاذ رویکردهای نوین از نظام دادرسی تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی فاصله گرفته است. در این میان، مقررات ناظر به حقوق دفاعی متهم، تحولات مهمی داشته و توجه و حمایت از او از همان آغاز فرآیند کیفری (مرحله کشف جرم) مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است. حق ملاقات با وکیل و پزشک و تماس تلفنی با بستگان در مرحله دخالت ضابطان دادگستری از جمله حقوق متهم در این مرحله است. به طور کلی، این نوآوری‌ها را می‌توان در دو محور تقویت حقوق دفاعی (توازن میان نفع و مصلحت عمومی و نفع و مصلحت متهم) و کاهش موارد

لطمه به آزادی وی قرار داد. گلدوست جویباری، میرکمالی و قبلی (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی با عنوان «نوآوری های آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ درباره حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی»، بیان می کنند که حقوق دفاعی متهم از نوآوری هایی است که قانونگذار در رابطه با حقوق دفاعی متهم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی کرده است. قانونگذار در این قانون با به کارگیری الگوهای دادرسی عادلانه و با هدف تأمین امکانات برابر برای طرفین دعوی، تحولاتی را در مرحله تحقیقات مقدماتی جهت حفظ حقوق متهم پیش بینی کرده است. حقوقی همچون حق متهم بر تشکیل پرونده شخصیت، حق متهم مبنی بر تماس با خانواده و حقوق دفاعی متهم مانند حق داشتن وکیل و تفهیم آن، اخذ آخرین دفاع و حق سکوت.

ضابطان دادگستری

مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی برای کشف جرم، بازجویی مقدماتی از متهم و نیز جلوگیری از فرار یا پنهان شدن او و سرانجام حفظ آثار و دلایل جرم، طبق ضوابط قانونی اقدام می کنند (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۴۰). (از نظر قانونی، ضابط به مأمورانی گفته میشود که در حدود مقررات قانون دادرسی، مکلف به بازجویی و تحقیق در حدود صلاحیت دادگاهها بوده و اقداماتی را برای گردآوری مدارک و دلایل مربوطه و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم انجام می دهند (رضوی، ۱۳۸۰، ص ۲۶). (برخی بر این اعتقادند، «ضابطان دادگستری یعنی پلیس قضایی و منظور از پلیس قضایی، افسران آموزش دیده پلیس است» (قاضی، ۱۳۹۴، ص ۴۲). (بسیاری دیگر، ضابطان دادگستری را به دو گروه عام، خاص تقسیم کرده اند. در ماده ۲۸ قانون آ.د.ک. مصوب سال ۱۳۹۲، در تعریف ضابطان دادگستری چنین مقرر شده است «ضابطان دادگستری، مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می کنند. در این پژوهش، ضابطان دادگستری تمامی کارکنان کلانتری های سرکلانتری دوم که با متهمان برخورد و تعامل داشته اند و تعداد آن براساس مشاغل قضایی مستخرج از سیستم سامان معاونت ارزشیابی و انتصابات بازرسی کل ناجا استخراج شده اند، است. متهم کسی است که فاعل جرم تلقی شده، ولی هنوز انتساب جرم به او محرز نشده است و این عنوان در مقابل مجرم استعمال می شود. به رغم آنکه، قانونگذار بارها برای رفع این نقیصه درباره متهم سخن گفته، ولی تعریفی از این اصطلاح نکرده است می توان گفت، کسی که در مظان ارتکاب جرم قرار گرفته است، متهم نامیده می شود. در دادرسی های جزایی، متهم طرف اصلی و مهم دادرسی ها است (آخوندی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱). (در این پژوهش، متهم به افرادی اطلاق میشود که توسط کارکنان کلانتری های سرکلانتری دوم فاتب در اجرای دستور مقام قضایی یا در جرائم مشهود بنا به اختیارات ضابطان دستگیر یا جهت رسیدگی به اتهام وارده به کلانتری فراخوانده شده اند. پرداختن به مبانی حقوق دفاعی، دلایل اخلاقی حامی آن راکه معمولاً نهفته و در پشت پرده آنها قراردارند، روشن می سازد و نظریه اینکه دلایل اخلاقی نسبت به دلایل حقوقی برای مردم اقناع کننده هستند، سبب پذیرش اقتاعی حقوق دفاعی خواهند شد. بنابراین، مبانی حقوق دفاعی، همان پایه ها و علل موجه ساز حقوق دفاعی اند؛ ریشه هایی که ضرورت و مشروعیت این حقوق را آشکار می سازند.

رعایت حقوق دفاعی متهم در فرآیند دادرسی

قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، حقوقی از قبیل ممنوعیت اخذ تأمین از متهم، حق داشتن ملاقات با وکیل و مشورت با وی، بازجویی و تحقیق از زنان و افراد نابالغ توسط پلیس خاص، ممنوعیت دستگیری افراد بدون مجوز قانونی، حفظ حقوق شهروندی در زمان احضار و جلب متهم، ممنوعیت تحت نظر قرار دادن متهم بیش از ۲۴ ساعت در جرائم مشهود، تفهیم اتهام به متهم، حق سکوت متهم، ممنوعیت تحقیق در جرائم منافی عفت، ممنوعیت هرگونه شکنجه و اعمال اهانت آمیز نسبت به متهم، ضرورت حفظ حریم خصوصی متهم و حرمت نقض آن، حق اطلاع خانواده متهم از دستگیری و تحت نظر قرار گرفتن او، طرح پرسشهای مفید و روشن از متهم و درج بدون تغییر آنها را برای متهم پیش بینی کرده است. در ادامه، این مبانی در قالب سه بند رعایت حقوق متهمان توسط ضابطان در مرحله احضار و جلب، رعایت حقوق متهمان توسط ضابطان در هنگام بازجویی و رعایت حقوق متهمان توسط ضابطان در مرحله تحت نظر و بازداشت مورد بررسی قرار گرفته است. الف) رعایت حقوق متهمان توسط ضابطان در مرحله احضار و جلب: مطابق ماده ۱۷۲ این قانون، به جهت احترام به اصل برائت و حفظ آبرو و شأن افراد، ابلاغ احضاریه را توسط مأموران بدون استفاده از لباس رسمی مقرر کرده است. در خصوص جلب افراد با توجه به ماده ۱۸۰ و ۱۶۰ قانون آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲، جلب همیشه باید مسبق به احضار باشد؛ به غیر از موارد استثنایی که در ماده ۱۸۰ مقنن به مقام قضایی اجازه داده است، بدواً و بدون فرستادن احضاریه دستور جلب متهم را صادر کند. این موارد نیز به جهت اینکه خلاف اصل هستند، به صورت حصری بیان شده‌اند. ضابطان در خصوص احضار و جلب، کاملاً بایستی با دستور مقام قضایی به این امر اقدام کنند؛ مگر در مواردی که جرم مشهود باشد که طبق ماده ۴۶ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، مأموران پلیس حق دخالت داشته و به جهت حفظ آثار جرم و دستگیری متهم، ولی در جرائم غیرمشهود با حکم مخصوص قاضی اقدام به این امر کنند. بنابراین، آنچه ضابطان در خصوص رعایت حقوق متهمان در این زمینه بایستی مدنظر قرار دهند این است که احضارنامه یا برگ جلب بایستی کتبی و در دو نسخه تنظیم شود. یک نسخه متهم اخذ و نسخه دیگر پس از رویت و امضای متهم یا خویشاوندان وی به مأمور احضار تسلیم شود و جلب متهم به موجب برگه جلب (به جز جرائم مشهود) و در روز به عمل آید؛ مگر در موارد استثنایی و آن هم به دستور مقام قضایی و تحویل سریع متهم جلب شده به مقام قضایی و نکته مهم دیگر اینکه ضابطان دادگستری مکلف اند در هنگام جلب و دستگیری افراد یا تفتیش منازل، محل کار و غیره ابتدا مدارک هویت خود و دستور قضایی را که بر مبنای آن اجازه دستگیری با تفتیش را دارند، به متهم نشان دهند. ب) رعایت حقوق متهمان توسط ضابطان در هنگام بازجویی: قانونگذار در ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان می کند که در بازجویی ها اجبار یا اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورتمجلس قید شود و به امضا یا اثرانگشت متهم برسد. همچنین، در قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب بیست و پنجم خردادماه ۸۳ در مورد نحوه انجام بازجویی از متهمان و حفظ حقوق آنها آورده شده است که - در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از اذیت افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا و تحقیر و استخفاف به آنها، اجتناب شود (بند ۶ -). بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنها به مکانی نامعلوم و کلاً اقدام های خلاف قانون خودداری ورزند (بند ۷-). هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت (بند ۹ -). تحقیقات و بازجویی ها باید مبتنی بر اصول و شیوه های علمی قانونی و آموزشهای قبلی و نظرات لازم صورت گیرد (بند ۱۰ -). پرسش ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوای در اسرار شخصی و

خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده موردبررسی احتراز شود (بند ۱۱ -). پاسخها به همان کیفیت اظهارشده و بدون تفسیر و تبدیل نوشته شود (بند ۱۲). (ج) رعایت حقوق متهمان توسط ضابطان در مرحله تحت نظر و بازداشت - مرحله تحت نظر: منظور از تحت نظر پلیس، بازداشت موقت شخص تحت تعقیب نیست. البته در عمل «تحت نظر بودن فرد» یا «بازداشت وی» تشابه زیادی دارند، اما به لحاظ موازین قانونی، حقوق شخص تحت تعقیب، وظایف و اختیارات پلیس و مقامات قضایی، در این دو حالت تفاوت هایی با یکدیگر دارند. مرحله تحت نظر پلیس به موجب نص صریح ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به دو صورت زیر است؛ حالت اول بدین ترتیب است که پلیس در مواجهه با جرمی مشهود، به نیابت از مقام قضایی صالح اقدام به دستگیری متهم کرده و برای انجام تحقیقات اولیه و در صورت ضرورت و به حکم قانون، شخص موردنظر را حداکثر تا ۲۴ ساعت تحت نظر نگهداشته و پس از طی مراحل لازم، او و پرونده متشکله را نزد مقام قضایی صالح میفرستد. حالت دوم، وقتی است که مرجع قضایی صالح گزارش واصله از سوی پلیس را کافی ندانسته و به پلیس، دستور تکمیل آن را می دهد. در این حالت، بنا بر ماده ۱۶ قانون اخیرالذکر، «ضابطان دادگستری مکلفند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند. مطابق حکم ماده مزبور و با اتکا بر دستور صریح مقام قضایی مبنی بر تحت نظر نگاه داشتن متهم برای تکمیل تحقیقات و انجام موارد خواسته شده، باید فرد تحت تعقیب را تحت نظر نگاه دارند. قانونگذار در ماده ۴۹ ق.آ.د.ک مصوب سال ۱۳۹۲ بیان کرده است که به محض آنکه متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن به دادسرای محل اعلام می شود. دادستان هر شهرستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال میکند و فهرست کامل آنها را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام میکند تا به همان نحو ثبت شود. والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر این اشخاص میتوانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن آنها اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت نظر قرار گرفتن تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است. همچنین، قانونگذار در مواد ۵۰ تا ۵۳ این قانون بیان میکند که شخص تحت نظر میتواند به وسیله تلفن یا هر وسیله پاسخ به چنین سؤالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. بدین ترتیب، می توان گفت که تضمین حق سکوت متهم و حق وی به خودداری از پاسخگویی به سؤالات این است که اظهاراتی که متهم در حالت نقض حق سکوت و با اکراه و اجبار بیان داشته فاقد اعتبار تلقی میشوند. همچنین، قانونگذار آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۴۸ به صراحت بر حق متهم به ملاقات با وکیل در مرحله تحت نظر اشاره کرده است. به موجب این ماده: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می تواند تقاضای حضور وکیل کند، وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات کند و وکیل میتواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد». بدین ترتیب و براساس ماده ۴۸، متهم حق برخورداری از معاضدت وکیل مدافع را در مرحله تحت نظر دارد. هر چند قانونگذار، در خصوص میزان مداخله وکیل مدافع، شرایطی از قبیل محدودیت زمانی و ضرورت مراعات محرمانه بودن تحقیقات تعیین کرده است و نیز تنها، وکیل را مجاز دانسته است که در پایان ملاقات، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه کند. به زعم برخی حقوقدانان، عبارت ذکر شده در ماده صرفاً ناظر به ملاقات و مشاوره با وکیل است و نه دفاع وکیل از متهم (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۶). - مرحله بازداشت موقت: بازداشت موقت متهم در مواقع و موارد مهم و حساس در رابطه با جرائم مهم در تمام نظام های دادرسی جهان امری رایج و شایع است، اما نکته قابل تأمل در این زمینه آن است که شیوه برخورد با متهم در تاریخ تحولات کیفری همواره در حال تغییر و دگرگونی بوده است و به گونه ای که تحولات مربوط در راستای تأمین و تضمین حقوق و آزادی های متهم در کنار حقوق جامعه و شاکی خصوصی متحول شده است (آخوندی، ۱۳۶۹، ص ۱۷۶). (بنابراین، با عنایت به اهمیت موضوع که به ضابطان برمی

گردد رعایت حقوق متهمان از دیدگاه ضابطان است که بایستی به مواردی چون پرهیز از بازداشت بیش از موعد، فراهم کردن امکانات لازم در بازداشتگاه، تغذیه متهمان، نوع برخورد با متهمان، اجازه اجرای فرایض دینی در بازداشت و ... است که ضرورت بحث و نتیجه گیری تحولات مربوط به حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در حوزه وظایف ضابطان در سه محور حقوق دفاعی متهم در مرحله بازجویی، احضار و جلب و تحت نظر و بازداشت در وضعیت موجود حاکم بر کارکنان نیروی انتظامی به عنوان ضابطان دادگستری از اهمیت بالایی برخوردار است. در این راستا، این سازمان در سالهای اخیر بهسوی ایجاد توازن میان حقوق و آزادیهای فردی و الزامهای نظم و امنیت عمومی گام برداشته است. لذا این پژوهش، با هدف بررسی رابطه آشنایی ضابطان (کارکنان کلانتری های مستقر در سرکلانتری دوم فاتب) با حقوق دفاعی متهم صورت پذیرفته است. حقوق دفاعی متهم یکی از مباحث بسیار مهم بوده که از دیرباز مورد توجه مسئولان و دستگاههای اجرایی، به ویژه قضایی و انتظامی بوده و در این راستا، پژوهش های مختلفی انجام شده است. شاید یکی از دلایلی که توجه به این موضوع را از اهمیت خاصی برخوردار کرده، تأثیر آن در نظم و امنیت جامعه است که با عدم رعایت حقوق افراد تحقق این امر با خطر جدی مواجه می شود؛ چراکه متهم نیز به عنوان یکی از افراد جامعه محسوب می گردد و تا زمانی که جرم وی ثابت نشده باشد، بایستی در مراحل احضار، جلب، بازجویی و تحت نظر مانند سایر افراد جامعه، حقوق وی رعایت شود و با سایر افراد جامعه هیچ تفاوتی نداشته باشد.

احضار، جلب، بازجویی و تحت نظر گرفتن متهم در جرائم مشهود یکی از مهمترین اختیاراتی است که به موجب قانون به ضابطان دادگستری اعطا شده است. این تأسیسات قانونی، منجر به سلب آزادی رفت و آمد متهم شده و وی را در مقابل جامعه و نمایندگان آن قرار می دهد. مسلماً آنچه این مراحل را ایجاب میکند، مصلحت اجتماعی است که مقتضی تلاش در جهت تحصیل دلایل، کشف حقیقت مطلق و شناسایی مجرم واقعی در دادرسی های کیفری است. با این وجود، متهم به جرم نیز می بایست از حقوقی برخوردار باشد که لازمه حقوق و آزادیهای فردی و کرامت انسانی وی است. بدین ترتیب، در دوران تحت نظر نیز همچون جای جای دادرسی کیفری، مصالح اجتماعی در تعارض با حقوق و آزادی های فردی قرار میگیرند و این هنر قانونگذار دادرسی کیفری است که قادر به ایجاد توازن و تعادلی هرچند نسبی میان این دو باشد. در قوانین سابق آیین دادرسی کیفری و به ویژه قانون ۱۳۷۸، احضار، جلب، بازجویی و دوران تحت نظر و حقوق متهمان در این دوران، ضابطه مند نبود و تنها حقوقی محدود برای متهم تحت نظر قرار گرفته، پیش بینی شده بود. این مسئله نقضی جدی در قانون تلقی شده و آثاری نامناسب در پی داشت. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، قانونگذار با پیش بینی حقوق دفاعی برای متهم در دوران احضار، جلب، بازجویی و تحت نظر، گام مهمی در راستای ایجاد توازن و تعادل میان حقوق و آزادیهای فردی و مصلحت اجتماعی و نیز عادلانه تر ساختن دادرسی به عنوان یکی از ویژگی های دادرسی اسلامی برداشته است. حق سکوت، تفهیم اتهام، حق برخورداری از وکیل و نیز حق آگاه سازی خانواده و معاینه توسط پزشک، مهمترین حقوقی هستند که در قانون جدید دادرسی کیفری برای متهم تحت نظر، پیش بینی شده اند. بدین ترتیب، قانونگذار دادرسی کیفری اقدام به ضابطه مند کردن دوران تحت نظر کرده و حقوق دفاعی متهم و تکالیف ضابطان دادگستری را موضوع مواد قانونی قرار داده است. در این راستا، پس از اجرای بیش از ۵ سال از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مطابق نتایج تحلیل آزمون های این پژوهش مشخص شد که بین میزان آشنایی ضابطان دادگستری با حقوق متهم در مرحله بازجویی، احضار و جلب و تحت نظر و بازداشت و رعایت حقوق دفاعی او رابطه معناداری وجود دارد و میزان آشنایی ضابطان با حقوق دفاعی متهم بیش از حد متوسط و در سطح زیاد ارزیابی شده است. همچنین، این نتیجه حاصل شد که به اعتقاد اغلب پاسخ دهندگان، آشنایی پلیس با حقوق متهم در مرحله بازجویی، احضار و جلب و تحت نظر و بازداشت در حد زیاد تا خیلی زیادی در رعایت حقوق دفاعی متهم تأثیرگذار است. رتبه بندی متغیرهای تحقیق نیز مشخص کرد که

ضابطان برای رسیدن به نقطه مطلوب در رعایت حقوق دفاعی متهم، لازم است به ترتیب، آشنایی با حقوق دفاعی متهم در مرحله تحت نظر و بازداشت، آشنایی با حقوق دفاعی متهم در مرحله احضار و در نهایت، آشنایی ضابطان با حقوق دفاعی متهم در مرحله بازجویی را مدنظر قرار داشته باشند. به همین منظور، نیروی انتظامی باید برای آشنایی با حقوق دفاعی متهم در سه مرحله تحت‌نظر و بازداشت، احضار و جلب و بازجویی، برنامه ریزیهای آموزشی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت را در برنامه های عملیاتی سالانه آموزشی داشته باشد.

منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۶۹). آیین دادرسی کیفری. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آخوندی، محمود (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری (دفتر پنجم؛ کاربردی). تهران: انتشارات دوران‌دیشان. چاپ سوم.
- آشوری، محمد (۱۳۷۶). اصل برائت و آثار آن در امور کیفری. تهران: انتشارات گنج دانش.
- امیرزاده فرد، شیده و پاکنیت، مصطفی (شهریور ۱۳۹۵). حقوق شهروندی در فرآیند تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲. ماهنامه شباک. ۶(۲)، صص ۲۷-۳۸. بازیابی از :
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=278798> - جوانمرد، محمد؛ عبدالرحمانی، رضا و پورعلی، رضا (۱۳۹۳). بررسی نگرش مردم نسبت به رعایت حقوق شهروندی در اجرای طرح برخورد با تجهیزات دریافت از ماهواره، فصلنامه پژوهشهای اطلاعاتی و جنایی. ۴(۹)، صص ۲۷-۵۰. بازیابی از : http://icra.jrl.police.ir/article_18142
- خالقی، علی (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری (جلد اول). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش. چاپ ۲۹
- رضوی، محمد (۱۳۸۰). نقش نیروی انتظامی به عنوان ضابطان دادگستری در امور کیفری. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین. چاپ اول - .
- ساریخانی، عادل (۱۳۹۷). حقوق شهروندی متهم در تعامل پلیس در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴. فصلنامه پژوهشهای اطلاعاتی و جنایی: http://icra.jrl.police.ir/article_18839. از بازیابی ۲۳۲-۲۰۷ صص)، ۱۳(۴۹)
- ساقیان، محمدمهدی (۱۳۹۳). تقویت حقوق و آزادیهای متهم در مرحله تحقیقات